

جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر

محمد فرجیها*

محمدباقر مقدسی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۸

چکیده

عوام‌گرایی یکی از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری سیاست کیفری کشورها در دهه‌های اخیر بوده است. برخلاف عوام‌گرایی در حوزه کنترل جرایم خشونت‌بار و جرایم اقتصادی که در دوره‌های زمانی خاصی فرصت ظهور می‌یابند، توسل به جنبه‌های نمادین مقابله و سرکوب در سیاست‌های کنترل مواد مخدر پیشینه طولانی‌تری داشته و این گفتمان از ظرفیت‌های زیادی برای جلب حمایت افکار عمومی برخوردار است. از جمله مشخصه‌های گفتمان عوام‌گرایی در قلمرو مواد مخدر می‌توان به تقاضا برای افزایش اختیارات نهادهای مسئول مبارزه با مواد مخدر، تبدیل اعتیاد به مواد مخدر از مسأله اجتماعی محلی و بومی به مسأله فرامرزی که ریشه در آن سوی مرزها دارد، بالا بردن سطح انتظارات عمومی از توسل به ابزارهای کیفری برای حل مسأله مواد مخدر، بهره‌گیری از گفتمان جنگ در مقابله با آن و دشمن‌پنداری مجرمان مواد مخدر، بسترسازی برای طرح ضرورت توسل به یک نظام کیفری استثنایی و بی‌اعتنایی نسبت به موازین دادرسی عادلانه و حق تجدیدنظرخواهی محکومان و نیز تمرکز بر شاخص‌های سخت‌افزاری مانند تعداد معتادان جمع‌آوری شده و میزان مواد مخدر کشف شده برای نشان دادن میزان موفقیت اشاره کرد. مقاله حاضر کوششی است برای توصیف جنبه‌های گوناگون عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری ناظر بر کنترل مواد مخدر. برای

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

mohammadfarajiha@gmail.com

** استادیار دانشگاه بجنورد

mbmoghadasi@yahoo.com

گردآوری اطلاعات از روش‌های کیفی مانند نمونه‌پژوهی، تحلیل گفتمان مقام‌های رسمی و تجزیه و تحلیل محتوای اسناد و مدارک پلیسی و قضایی استفاده شده است.

کلیدواژگان: عوام‌گرایی کیفری، سیاست‌های کنترل جرایم مواد مخدر، سخت‌گیری کیفری، حق تجدیدنظرخواهی، اجرای علنی مجازات‌ها

مقدمه

عوام‌گرایی در علوم سیاسی به معنای جریانی سیاسی است که در آن باورها و اعتقادهای مردم در تدوین تصمیم‌های مهم سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای بازی می‌کند.^۱ سیاست‌مداران طرفدار عوام‌گرایی با تکیه بر این ادعا که دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در بسیاری از دیدگاه‌های کارشناسی نادیده انگاشته می‌شود، اتخاذ سیاست‌های عامه‌پسند، که در ظاهر درصد تأمین منافع عمومی جامعه است، را در اولویت قرار می‌دهند؛ در حالی که پژوهش‌های علمی بیان‌گر این واقعیت است که اظهارنظرهای مردم پیرامون مسائل اجتماعی لزوماً بر مبنای منطق علمی و عقلانی استوار نیست، بلکه بیشتر تحت تأثیر چگونگی بازنمایی رسانه‌ای اخبار مربوط به جرایم مواد مخدر و زبان مورد استفاده در گفتمان مقام‌های سیاسی و رسمی قرار دارد.

کسب مشروعیت و تلاش برای اثبات کارآمدی از عوامل اصلی توسل به سیاست‌های عامه‌پسندانه است. به همین دلیل به نظر می‌رسد مسائل مورد توجه افکار عمومی مانند مقابله با فقر، تورم، بی‌سوادی، و به ویژه مقابله با جرم و تأمین امنیت مورد انتظار مردم، از ظرفیت‌های بالایی برای نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه برخوردار است. از دهه هشتاد به بعد روند روبه‌رشد بزه‌کاری، افزایش احساس ناامنی، و بازنمایی گسترده رسانه‌ای جرم توجه افکار عمومی و به موازات آن مدیران نهادهای کنترل جرم را به خود جلب کرد. این شرایط بسترهای ظهور سیاست‌هایی را فراهم کرد که بیش از آنکه بر یافته‌های علمی استوار باشد بر اتخاذ تدابیر نمادین برای نشان دادن جدیت حزب سیاسی حاکم در مقابله با جرم دلالت داشت و به همین دلیل

^۱ - رحیق اغصان، علی، دانش‌نامه در علم سیاست، تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۴، صص ۳۰۶-۳۰۵.

جرم‌شناسان از آن به «عوام‌گرایی کیفری»^۱ یاد کردند. عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که بر اساس آن سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران عدالت کیفری به منظور جلب آرای عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عامه مردم، بدون توجه به یافته‌های علمی، دیدگاه‌های نخبگان و معیار اثربخشی و کارآمدی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا می‌کنند که هم‌سو با انتظارات مقطعی و زودگذر مردم است.

هرچند انتصابی بودن بیشتر مقام‌های سیاست جنایی در ایران (مانند فرمانده نیروی انتظامی و ریاست قوه قضاییه) در مقایسه با نظام‌هایی که این سمت‌ها بیشتر با انتخابات و احزاب سیاسی حاکم در ارتباط هستند، موانعی را در مسیر نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه در حوزه کنترل جرم قرار می‌دهد، ولی جلوه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در شعارهای تبلیغاتی برخی از نامزدهای ریاست جمهوری ایران در سال‌های اخیر مشاهده کرد. طرح وعده‌های انتخاباتی مانند برچیدن "گشت ارشاد" در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران را باید در همین راستا تجزیه و تحلیل کرد. به رغم اظهارنظر فرمانده نیروی انتظامی مبنی بر رضایت مردم از طرح گشت‌های ارشاد به عنوان مطالبه اساسی جامعه از پلیس و استناد به نظرسنجی‌های عمومی^۲، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری با آگاهی از پیامدهای دفاع از چنین طرح‌هایی و نگرانی نسبت به از دست دادن آرای جوانان، با ظرافت خاصی به نقد آن پرداخته و در هم‌سویی با قشرهای جوان، وعده برچیدن آن را مطرح کردند و از پیامدهای سیاسی و واکنش محافل مذهبی در برابر چنین تفکری نهراسیدند.

در این میان، تدابیر ناظر بر مبارزه با مواد مخدر، به ویژه از جهت تأثیر مستقیم قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر بر خانواده‌ها، از حوزه‌های مستعد نفوذ رویکردهای عوام‌گرایانه است. به استثنای چند کشور محدود^۳ که رویکردی توأم با تسامح را نسبت به جنبه‌هایی از جرایم مواد

^۱ - Penal populism

^۲ - سایت خبری آفتاب نیوز، «مخالفت با گشت‌های ارشاد رأی آور نیست»، لینک خبر:

http://www.aftabnews.ir/vdcipyav_t1aqw2bcct.html

^۳ - برای مطالعه بیشتر رک.

Van Swaaningen, R., "Public Safety and the Management of Fear", *Theoretical Criminology*, Vol. 9, 2005, pp. 289-305; Tham, H., "Swedish Drug Policy and the Vision of the Good

مخدر برگزیده‌اند، بسیاری از نظام‌های کیفری تحت تأثیر اندیشه‌های عوام‌گرایانه، اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه جنگ علیه مواد مخدر را در اولویت خود قرار داده‌اند.

روند روبه‌رشد آمار اعتیاد در ایران^۱ به ویژه افزایش سوء‌مصرف مواد مخدر در میان جوانان، بزرگ‌نمایی پیامدهای زیان‌بار مصرف مواد مخدر در رسانه‌های گروهی و ارتباط اعتیاد با ارتکاب جرم، مبارزه با این پدیده را به یک خواست عمومی تبدیل کرده و نظام کیفری تقنینی، قضایی و پلیسی را در معرض نفوذ اندیشه‌ها و سیاست‌های عوام‌گرایانه قرار داده است. آنچه ارزش تحقیق پیرامون عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری ناظر بر مواد مخدر را دوچندان می‌کند این است که برخلاف رویکردهای عوام‌گرایی در جرایم جنسی، جرایم اقتصادی و بزه‌کاری اطفال و نوجوانان که در دوره‌های زمانی خاص، به ویژه به هنگام وقوع پدیده‌های مجرمانه و بازنمایی رسانه‌ای آن، بروز و ظهور می‌یابد، توسل به جنبه‌های نمادین مقابله و سرکوب در حوزه مواد مخدر بیش از چندین دهه در ایران جریان داشته است و به نظر می‌رسد هنوز هم از ظرفیت‌های زیادی برای جلب حمایت افکار عمومی برخوردار است.

مقاله حاضر کوششی برای توصیف جنبه‌های گوناگون عوام‌گرایی در سیاست کیفری مواد مخدر است. تمرکز این نوشتار بر استفاده از روش‌های کیفی مانند نمونه‌پژوهی، تحلیل محتوا و تجزیه تحلیل اسناد و مدارک پلیسی، قضایی و قانونی است. واکنش‌های عوام‌گرا در گفتمان مقام‌های رسمی سیاست جنایی، قوانین و مقررات ناظر بر مواد مخدر و نیز رویه‌های عملی دادگاه‌ها و نهادهای مسئول مبارزه با مواد مخدر در ایران و دیگر نظام‌های کیفری از محورهای اصلی این مقاله است. مهم‌ترین نمادهای نفوذ سیاست‌های عوام‌گرایانه را می‌توان در سیطره گفتمان رسانه‌ای بر سیاست‌ها، استفاده از راه‌کارهای سخت‌گیرانه مانند اعدام و حبس طولانی مدت، تحدید حق تجدیدنظرخواهی متهم و تأکید بر اجرای علنی مجازات مشاهده کرد.

Society”, Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention, Vol. 6 (1), 2005, pp. 57-73; Balvig, F., “When Law and Order returned to Denmark”, Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention, Vol. 5, 2004, pp. 167-187.

^۱ در ایران آمار معتبری از تعداد معتادان وجود ندارد. اختلاف فاحش میان آمارهای رسمی و غیر رسمی تردیدهایی را نسبت به اعتبار آمارهای رسمی برمی‌انگیزد. در حالی که طبق اظهارات مقام‌های وقت «ستاد مبارزه با مواد مخدر» آمار معتادان کم‌تر از ۲ میلیون نفر است، معاون وقت «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» رقم ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر را اعلام کرده است (روزنامه ابتکار، شماره ۱۷، ۳۳۰، آذر ۱۳۸۵، ص ۱).

۱- سیطره ادبیات ژورنالیستی بر گفتمان علمی

رسانه‌های گروهی معمولاً با بازنمایی احساسی و هیجانی پدیده‌های مجرمانه، کارآمدی الگوهای اصلاح و درمان مجرمان را زیر سؤال برده و تمرکز بر رویکردهای اصلاحی را فاقد اثربخشی و موجب افزایش ارتکاب جرم و ناامنی می‌دانند. رسانه‌ها گاهی با استناد به نظرسنجی‌های عمومی مدعی حمایت مردم از سیاست‌های سخت‌گیرانه و سرکوبگرانه می‌شوند و بر ضرورت تأمین انتظارات افکار عمومی در سیاست‌گذاری اصرار می‌ورزند. بازنمایی رسانه‌ای جرایم مواد مخدر معمولاً به گونه‌ای است که توجه افکار عمومی را از عوامل زیربنایی مانند بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی منحرف کرده و به سوی سیاست‌های مبتنی بر مقابله و سرکوب معطوف می‌سازد.^۱ این شیوه بازنمایی موجب وارونه جلوه دادن حقایق مربوط به مواد مخدر شده و این اندیشه را تقویت می‌کند که مواد مخدر عامل اصلی وقوع بسیاری از جرم‌های خشونت‌آمیز است. در این شرایط نگرانی‌های عمومی نسبت به تأثیر مواد مخدر بر ارتکاب جرم بیش از آنکه بر یافته‌های علمی استوار باشد، ناشی از بازنمایی اغراق‌آمیز رسانه‌ای است.^۲ از این رو، تا زمان حاکمیت روش‌های عامه‌پسندانه در تهیه و انتشار اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای به عنوان تنها منبع اطلاع‌رسانی به مردم، نارضایتی عمومی از سیاست‌های کیفری مبتنی بر مطالعات جرم‌شناسی تداوم یافته و افکار عمومی سیاست‌های کنترل مواد مخدر را در معرض اتهام سهل‌گیری قرار خواهد داد.^۳

تحلیل محتوای برخی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون پیرامون مواد مخدر نیز بیان‌گر ارائه تفسیرها و برداشت‌های غیر کارشناسی است. بخشی از سریال‌های تلویزیونی مبتنی بر ژانر مواد مخدر با تأکید بر نوعی اسطوره‌سازی رسانه‌ای و بازنمایی به دور از واقعیت، معتادان در حال ترک را نمایش می‌دهند که با استفاده از روش‌هایی مانند حبس کردن و به زنجیر کشیدن خود، به

^۱ - Beckett, K., *Making Crime Pay: Law and Order in Contemporary American Politics*, New York, Oxford University Press, 1997.

^۲ - Roberts, J.V., Stalans, L.J., Indermaur, D., & Hough, M., *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries*, Oxford, Oxford University Press, 2003, p. 78.

^۳ - Roberts, J. V., "Public Opinion, Crime, and Criminal Justice", in Tonry, M. (eds.), *Crime and Justice: A Review of Research*, Chicago, University of Chicago Press, Vol. 16, 1992, p. 164.

سهولت اعتیاد را ترک می‌کنند. این در حالی است که یافته‌های علمی اثربخشی این روش‌ها را تأیید نمی‌کنند.^۱

رسانه‌های نوشتاری نیز از این آفت دور نمانده‌اند. بر اساس نتایج یکی از تحقیقات، از نگاه دبیران سرویس صفحه حوادث روزنامه‌ها، اخبار و اطلاعات مربوط به کشف مواد مخدر، دستگیری قاچاقچیان و موضع‌گیری مقام‌های رسمی در خصوص ضرورت تشدید مقابله با مواد مخدر از ارزش خبری بالاتری نسبت به اطلاعات مربوط به بررسی عوامل اعتیاد، ارائه خدمات آموزشی و درمانی به معتادان و آموزش روش‌های پیشگیری برخوردار است.^۲ نتایج تحقیق دیگری در زمینه بررسی محتوای مطالب ۴ روزنامه «کیهان»، «اطلاعات»، «اعتماد» و «اعتماد ملی» در فاصله پنجم تیرماه ۱۳۸۵ تا پنجم تیرماه ۱۳۸۶ نیز نشان می‌دهد که، از مجموع ۱۴۶۲ خبر مربوط به اعتیاد و مواد مخدر، اخبار مربوط به کشف و امحای مواد با ۶۰۴ مورد (۴۱/۳ درصد)، دستگیری و اعدام قاچاقچیان با ۲۴۴ مورد (۱۶/۷ درصد)، قوانین، سیاست‌ها و راهبردهای مبارزه با مواد مخدر با ۱۳۶ مورد (۹/۳ درصد)، و جرایم مرتبط با اعتیاد با ۱۱۲ مورد (۷/۷ درصد)، بیشترین سهم را در میان کل اخبار داشته‌اند. در مقابل گزارش‌ها و اخبار مربوط به پیشگیری، ترک و درمان اعتیاد با ۷۵ مورد (۵/۱ درصد)، تأثیرات اعتیاد بر سلامتی با ۵۸ مورد (۴ درصد)، پیامدهای منفی اعتیاد بر اقتصاد و سیاست با ۱۹ مورد (۱/۳ درصد) و بررسی علل اعتیاد با ۱۴ مورد (۱ درصد)، کم‌ترین فراوانی را در میان کل اخبار داشته‌اند.

علاوه بر این، به استثنای روزنامه اعتماد، تحلیل‌ها و گزارش‌های سه روزنامه دیگر بیشتر بر طرف‌داری از جرم‌انگاری اعتیاد و مخالفت با بیمار انگاشتن معتادان و اولویت پاسخ‌های کیفری بر راه‌حل‌های درمانی و اصلاحی تأکید داشته‌اند.^۳ از این رو، به نظر می‌رسد غیر دولتی بودن و یا

^۱ - مدنی قهفرخی، سعید، اعتیاد در ایران، تهران: ثالث، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵.

^۲ - کیا، علی‌اصغر؛ و حسین‌پور، جعفر، «بررسی نحوه نگرش رسانه‌ها به اعتیاد»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره اول، ۱۳۸۶، صص ۵۷-۲۹.

^۳ - حمزه‌ئی، مهدیه؛ حبیبی، علیرضا؛ و کیا، علی‌اصغر، «اعتیاد در مطبوعات: مقایسه مطالب مربوط به اعتیاد در روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، اعتماد و اعتماد ملی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ۱۳۸۸، صص ۶۱-۲۵.

انتقادی بودن برخی از روزنامه‌ها تأثیر چندانی بر افزایش محتوای کارشناسی و علمی گزارش‌های خبری نداشته و تأکید بر راه کارهای واکنشی و سرکوبگرانه مختص روزنامه‌های دولتی نیست. در بسیاری از موارد، مدیران سیاست جنایی در واکنش به همین فضای احساسی رسانه‌ای است که درصدد توسل به سیاست‌های عوام‌گرا برآمده‌اند تا احساس ترس و نگرانی مردم نسبت به مواد مخدر را کاهش داده و با بهره‌گیری از تدابیر نمایشی و سخت‌گیرانه چهره مقتدری از نظام عدالت کیفری را به مردم نشان دهند.

۲- تأکید بر کنترل مواد مخدر از طریق تشدید کیفرها

بررسی نظام ضمانت اجرای کیفری جرایم مواد مخدر از اولین دوره قانون‌گذاری تاکنون^۱ و تأکید بر مجازات‌هایی مانند اعدام و حبس ابد بیان‌گر باور مقتن به جنبه بازدارنده مجازات‌هاست. برای نمونه، در اصلاحیه «مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد مواد مخدر» (مصوب ۱۳۸۹/۵/۹) برای قاچاق بیش از ۳۰ گرم شیشه مجازات اعدام پیش‌بینی شده است.^۲ این در حالی است که تصویب و اجرای طرح‌های تشدید مجازات مرتکبان جرایم مواد مخدر در گذشته بر کاهش جرایم مواد مخدر تأثیر نداشته و آمارهای رسمی و غیر رسمی ارتباط میان تشدید مجازات قانونی و کاهش این جرایم را تأیید نمی‌کند.

تأکید قانون‌گذار بر جنبه‌های بازدارندگی و تشدید مجازات‌ها را باید نوعی واکنش به اخبار و اطلاعات منتشره در رسانه‌ها در خصوص رواج مصرف شیشه و مخاطرات ناشی از آن و انجام وظیفه قانون‌گذاری در برابر افزایش نگرانی عمومی نسبت به این پدیده دانست. ویژگی این نوع پاسخ‌های کیفری این است که اعتنایی به یافته‌های علمی و کیفرشناختی و نتایج مداخله‌های کیفری پیشین نداشته و با تشدید کیفرها رسالت نظام قانون‌گذاری را پایان یافته می‌داند.

^۱ - قانون‌گذاری در زمینه مواد مخدر از مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است؛ به گونه‌ای که از سال ۱۳۸۹ که نخستین قانون راجع به مواد مخدر به تصویب رسید، تاکنون بیش از ۱۶ قانون در این زمینه تصویب شده است (نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، صص ۱۱-۱۲).

^۲ - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹۱۶۶، ۱۳۸۹/۹/۲۸، صص ۱-۲.

گستره نفوذ اندیشه‌های سخت‌گیرانه و تأکید بر جنبه‌های بازدارندگی مجازات، محدود به جرم‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر و شبکه‌های سازمان‌یافته توزیع مواد مخدر نیست و گاهی حوزه‌هایی مانند اعتیاد را نیز شامل می‌شود. به رغم تأکید کارشناسان بر رویکردهای درمانی و مراقبتی نسبت به اعتیاد و اتخاذ سازوکارهای مبتنی بر کاهش آسیب، نظام سیاست‌گذاری کیفری با تکیه بر مداخله‌های کیفری سخت‌گیرانه به طور روزافزون در حال افزایش مشتریان نظام عدالت کیفری و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از برچسب‌زنی است. بند پنج بخش دهم «سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز» (مصوب ۱۳۸۲/۸/۱۲) در مبحث مربوط به «سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر»، بر ضرورت «جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آن جز در موارد علمی، پزشکی، صنعتی و برنامه‌های مصوب درمان و کاهش آسیب» تأکید کرده است.^۱ این در حالی است که مداخله کیفری در حوزه اعتیاد و ایجاد تکلیف قانونی برای پلیس جهت برخورد و دستگیری معتادان عرصه را بر سایر مداخله‌های درمانی و کنترلی محدود می‌کند.

از سوی دیگر، تعیین مجازات‌های شدید علاوه بر نادیده انگاشتن اصل تناسب ممکن است در عمل موجب عدم اجرا یا اجرای تبعیض‌آمیز آن شود. مروری بر رویه قضایی نیز بیان‌گر آن است که وقتی قضات مجازات پیش‌بینی شده در قانون را با جرم ارتكابی متناسب ندانند، درصدد اعمال کیفیات مخفیه و استناد به مواد قانونی با مجازات ملایم‌تر برمی‌آیند. برای نمونه، در پرونده‌های قاچاق مواد مخدر مستوجب اعدام،^۲ قضاتی که نقش و سهم برخی از قاچاقچیان را در

^۱ - سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

<http://www.rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>

^۲ - هرچند تعداد دقیق مجرمانی که به اتهام ارتکاب جرایم مواد مخدر، اعدام شده‌اند مشخص نیست، ولی بر اساس آمارهای رسمی، در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸، در مجموع ۸۹۹۷ تن از مجرمان به اعدام محکوم شده‌اند (ساک، محمدرضا، جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، تهران: خط سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷). علاوه بر این، بر اساس آمار منتشر شده از سوی «اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر» در سال ۱۳۷۷، تعداد محکومان به اعدام در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ حدود ۵ هزار تن بوده است. از این تعداد، به طور میانگین ۴۵/۵ درصد در مرحله رسیدگی در دادستانی کل و دیوان عالی کشور تأیید و اجرا و بقیه نقض شده است (قناد، فاطمه، «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران»،

فعالیت‌های مجرمانه متناسب با مجازات اعدام نمی‌دانند از عنوان مجرمانه دیگری که مشمول مجازات اعدام نیست، استفاده می‌کنند.^۱ تحلیل محتوای احکام قضایی نشان می‌دهد که قضات اغلب مایلند موارد مشمول مجازات اعدام را با استناد به تبصره بند ۴ ماده ۴^۲ و تبصره ۱ بند ۶ ماده ۸^۳ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم کنند و در مواردی که این انطباق ممکن نیست، با استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی حکم اعدام را به حبس ابد تخفیف دهند.^۴

اجتناب برخی قضات از تمرکز بر جنبه‌های بازدارندگی مجازات و اعمال کیفرهای قانونی سخت-گیرانه ریاست پیشین قوه قضاییه را بر آن داشت تا با صدور بخش‌نامه شماره ۱/۸۳/۷۵۳۸-۱۱/۱۳۸۳/۵/۱۱، قضات محاکم و حتی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور را به عدم ارفاق و برخورد شدید با مجرمان مواد مخدر ملزم نماید. در این بخش‌نامه از مراجع قضایی به ویژه دادگاه‌های انقلاب اسلامی خواسته شده که در راستای برآورده ساختن انتظارات جامعه به ویژه نیروهای مؤثر در مبارزه با مواد مخدر، ضمن تسریع در رسیدگی، نسبت به تعیین مجازات قانونی متناسب با اعمال ارتكابی و خطرات ناشی از آن‌ها، فارغ از رأفت معمول درباره بزه‌کاران عادی و فاقد سوء پیشینه اقدام کنند. علاوه بر این، براساس این بخش‌نامه «مقاماتی هم که قطعیت و لازم‌الاجرا شدن حکم به تأیید آنان موکول است [رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور] باید در بررسی و تجدیدنظر آرا، لزوم برخورد قانونی با صاحبان محموله‌ها و عوامل

مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.

^۱ - رحمدل، منصور، «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۸۵، صص ۱۶۵-۱۴۹.

^۲ - «هرگاه محرز شود مرتکب جرایم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کم‌تر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آن‌ها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آن‌ها محکوم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند».

^۳ - «هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم، حکم خواهد داد».

^۴ - قناد، پیشین، صص ۲۲۳-۲۲۲.

تهیه و توزیع این مواد مهلک و انگیزه‌های مادی مرتکبان و تأثیر کیفر در پیشگیری از تکرار جرم را مورد التفات قرار دهند»^۱.

تأکید این بخش‌نامه بر برآورده ساختن انتظارات جامعه و نیز تأثیر کیفر بر پیشگیری از تکرار جرم به جای رعایت موازین قانونی و پرهیز از صدور احکام کیفری تبعیض‌آمیز نسبت به متهمان گروه‌های اقلیت نژادی، قومی، مذهبی، و تصمیم‌گیری شفاف و عادلانه در کمیسیون‌های عفو و بخشودگی را باید از جلوه‌های تأثیرپذیری سیاست قضایی از رویکردهای عامه‌پسندانه دانست. ضمن اینکه هیچ‌گونه اطلاعات علمی و تجربی در خصوص خواست واقعی مردم در این خصوص وجود ندارد و معلوم نیست مبنای قانونی توجه قضات دادگاه‌های کیفری به خواسته‌ها و انتظارات گروه‌های مختلف مردم چیست؟^۲

اتخاذ این سیاست‌های سخت‌گیرانه و عوام‌گرا نظام عدالت کیفری را با بحران روبه‌رو می‌سازد. تبدیل مجازات اعدام به حبس‌های بلندمدت در رویه قضایی، افزایش بی‌رویه جمعیت کیفری زندان‌ها را به دنبال دارد.^۳ آمارهای رسمی نشان می‌دهد به طور متوسط نزدیک به نیمی از جمعیت کیفری زندان‌های ایران را محکومان جرایم مواد مخدر تشکیل می‌دهند.^۴ افزایش جمعیت کیفری محکومان جرایم مواد مخدر در ایران با چالش‌های بسیاری مانند: تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی هنگفت، عدم امکان رعایت طبقه‌بندی زندانیان، ورود مواد مخدر به زندان، ابتلای زندانیان به ویروس ایدز و مشکلات مربوط به تضمین سلامت جسمی و روانی زندانیان روبه‌رو بوده است. مدیران سازمان زندان‌ها در واکنش به این وضعیت از عدم پذیرش

^۱ - معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضاییه)، جلد سوم، قم: قضا، ۱۳۸۵، صص ۲۰۳-۲۰۲.

^۲ - در گفتمان رسمی برخی مدیران نهادهای عدالت کیفری، واژگان و ادبیات مبتنی بر تبیین‌های بیولوژیک از مجرمان مواد مخدر و حتی معتادان مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در نگاه برخی مدیران، مجرمان مواد مخدر، اعم از قاچاقچیان و معتادان، مجرمان خطرناکی‌اند که چهره جامعه را زشت کرده‌اند، و این «انگل‌ها» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۲/۳۱) و «میکروب‌ها» (روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۷/۹) را باید از جامعه و محیط اجتماعی طرد کرد و در انزوا نگاه داشت.

^۳ - Tonry, M., Sentencing Matters, New York, Oxford University Press, 1996.

^۴ - سایت همشهری آنلاین، «زندانیان مواد مخدر ۴۸ درصد زندانیان کشور را تشکیل می‌دهند»، لینک خبر: <http://hamshahrionline.ir/news-55090.aspx>

معتادان محکوم به حبس در زندان‌ها و اعزام آن‌ها به اردوگاه‌های کار درمان اجباری سخن به میان آورده‌اند.^۱

واکنش دیگر دستگاه قضایی برای حل بحران ناشی از تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، ارشاد و گاهی الزام قضات به تعیین مجازات‌های غیر سالب آزادی و کم‌هزینه مانند شلاق است. برای نمونه، بند ۵ بخش‌نامه شماره ۱۳۸۱/۶/۲۱-۱/۸۱/۱۲۰۳۷ ریاست قوه قضاییه تأکید می‌کند «در مورد متهمین به اعتیاد از دادن کیفر حبس حتی‌الامکان خودداری و از کیفر شلاق پیش‌بینی شده در قانون به عنوان عاملی بازدارنده استفاده و در انتخاب محل و نظارت بر اجرای حتمی و میزان تأثیرگذاری آن، دقت گردد»^۲. تأکید بر این راه‌حل در بند ۴ بخش‌نامه شماره ۱/۸۱/۱۳۳۹۴-۱۳۸۱/۷/۱۵ رئیس قوه قضاییه نیز تکرار شده است. بر اساس بند مذکور «در اجرای ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر^۳ قضات محاکم انقلاب از تبدیل شلاق یا جزای نقدی معتادان مواد مخدر به حبس خودداری نمایند»^۴.

در واقع، اتخاذ این سیاست‌های قضایی نوعی عقب‌نشینی در برابر مشکلات عملی ناشی از اجرای قوانین کیفری متأثر از عوام‌گرایی است. صرف‌نظر از جایگاه قانونی این سیاست‌ها، تاکنون جنبه‌های بازدارندگی مجازات شلاق در هیچ‌یک از پژوهش‌های علمی در مورد معتادان به اثبات نرسیده است. با این حال، حاکمیت عوام‌گرایی بر سیاست‌های کیفری جرایم مواد مخدر موجب شده مدیران سیاست کیفری اولویت خاصی برای سازوکارهای کیفری کوتاه‌مدت، ناکارآمد و فاقد مبنای علمی قائل باشند. برای نمونه، بر اساس تحقیقات انجام شده در استان کرمان، اعدام قاچاقچیان تأثیری بر بازدارندگی نداشته و در برخی از موارد با اعدام محکوم اعضای خانواده و

^۱ - سایت آفتاب نیوز، «قوه قضاییه: معتادان را به زندان راه نمی‌دهیم»، لینک خبر:

<http://www.aftabnews.ir/vdcb89b8wrhb5fp.uuur.html>

^۲ - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموعه بخش‌نامه‌ها (قوه قضاییه)، جلد دوم، قم، ۱۳۸۲، صص ۸۲۹-۸۲۸.

^۳ - «معتادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده ۴ و ۸ به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و تا سی ضربه شلاق محکوم خواهند شد. در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و یا ارگان‌های دولتی یا وابسته به دولت باشد علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق، به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود؛ ولی چنانچه ثابت شود که محکوم ترک اعتیاد کرده است مجدداً می‌تواند مراحل استخدام را طی کرده و مشغول خدمت در دستگاه‌های دولتی شود».

^۴ - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، پیشین، صص ۸۴۵-۸۴۱.

بستگان وی جایگزین او می‌شوند. علاوه بر این، اعدام این محکومان موجب تسکین افکار عمومی نمی‌شود، زیرا از دیدگاه مردم و همسایگان فرد محکوم، اعدام مجرمان مواد مخدر بیش از آنکه مجازات مجرم باشد مجازات خانواده او است.^۱

ناکامی سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و فاقد مبنای علمی در دست‌یابی به هدف کنترل جرایم مواد مخدر، گاهی موجب می‌شود طرف‌داران این اندیشه به جای ارزیابی علمی و شناسایی علل ناکارآمدی این پاسخ‌ها در صدد فراق‌کنی برآیند و ریشه‌های این شکست را به عوامل خارجی و توطئه‌های دشمن نسبت دهند. این رویکرد به نحو بارزی در گفتمان مقام‌های رسمی سیاست جنایی متجلی شده و دامنه آن به پژوهش‌ها و محافل دانشگاهی نیز کشیده شده است.^۲ هرچند نقش گروه‌های سازمان‌یافته بین‌المللی در گسترش بازارهای خرید و فروش مواد مخدر و سودهای هنگفت ناشی از آن انکارناپذیر است، ولی نادیده انگاشتن بسترهای فرهنگی - اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های ترغیب‌کننده مصرف مواد مخدر در میان گروه‌ها و اقوام مختلف جامعه نوعی ساده‌سازی بیش از اندازه پدیده اعتیاد و راه‌های کنترل آن است.

۳- تحدید حق تجدیدنظرخواهی متهم

یکی از پیامدهای نفوذ عوام‌گرایی در تدوین مقررات ناظر بر مواد مخدر، نادیده انگاشتن اصول دادرسی عادلانه از جمله اعمال محدودیت نسبت به حق تجدیدنظرخواهی است. در این رویکرد وقتی جامعه در معرض خطر جدی مواد مخدر قرار دارد برای مبارزه مؤثر با آن باید علاوه بر افزایش اختیارات نهادهای پلیسی و قضایی کنترل مواد مخدر، مسیرهای قانونی و عملی شناسایی، دستگیری و محاکمه سریع مجرمان مواد مخدر را هموار نموده و از به رسمیت شناختن آن دسته از حقوق دفاعی متهم که دست و پای نهادهای کنترلی را می‌بندد اجتناب شود.

^۱ - غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی تکرار جرم، تهران: میزان، ۱۳۸۲، صص ۱۵۹-۱۵۴.

^۲ - برای نمونه در اولین سمینار بررسی مسائل اعتیاد در ایران که در سال ۱۳۶۶ در همدان برگزار شد، این دیدگاه به گفتمان غالب تبدیل شده و به جای تشریح بسترهای فرهنگی و اجتماعی اعتیاد، تنها بر ارتباط تنگاتنگ وقوع این جرایم با توطئه‌های عوامل خارجی تأکید گردید (سمینار بررسی مسائل اعتیاد، گزارشی از اولین سمینار بررسی مسائل اعتیاد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵).

کاربرد ادبیات جنگ‌محور در سیاست‌های کنترل مواد مخدر در ایران به نوعی تداعی‌گر سیاست‌های «جنگ علیه مواد مخدر»^۱ در برخی از کشورهای غربی است. برای نمونه، مصوبه جلسه ۳۰۸ «شورای عالی امنیت ملی»، بر «آموزش همگانی و روشن‌گری افکار عمومی در سطح وسیع با استفاده از کلیه امکانات رسانه‌ای کشور و سازمان‌دهی طرح جنگ روانی علیه مواد مخدر» تأکید می‌کند و مقرر می‌دارد پیگیری این مصوبه در دستور کار کمیته کاهش تقاضای ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گیرد.^۲ در این فضا هزینه‌های سیاسی و اجتماعی دفاع از رعایت اصول دادرسی عادلانه و تضمین حقوق دفاعی متهمان افزایش می‌یابد و کارشناسان حقوقی وزارت‌خانه‌ها و نمایندگان مجلس نیز معمولاً برای اینکه در معرض اتهام مخالفت با اتخاذ تدابیر قاطع در برابر جرایم مواد مخدر قرار نگیرند، مخالفتی با عدول از موازین دادرسی عادلانه و نادیده انگاشتن حقوق دفاعی متهم از خود نشان نمی‌دهند.

این در حالی است که به نظر می‌رسد به دلیل پیش‌بینی کیفرهای شدید مانند اعدام و حبس‌های بلندمدت از یک سو، و یافته‌های علمی مربوط به اعمال تبعیض‌آمیز قوانین کیفری نسبت به اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی، و نیز رواج استفاده از اجبارهای فیزیکی و روانی برای اخذ اقرار از متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، رعایت حق تجدیدنظرخواهی و امکان اعتراض محکوم‌علیه نسبت به دلایل محکومیت و رعایت موازین قانونی امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد.

بر اساس ماده ۳۲ «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» (مصوب سال ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) «احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می‌شود پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم‌الاجراست. در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که برخلاف شرع یا قانون است و یا آنکه قاضی صادر کننده حکم صالح نیست، رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور حق تجدیدنظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم‌الاجرا بودن حکم نیست».

^۱ - War on drugs

^۲ - مدنی قهفرخی، پیشین، صص ۴۲۳-۴۲۴.

چنان که ملاحظه می‌شود در این ماده تجدیدنظرخواهی به عنوان یک حق برای محکوم‌علیه به رسمیت شناخته نشده است، زیرا در موارد اعدام، متهم نمی‌تواند تجدیدنظرخواهی کند، بلکه کلیه احکام برای تأیید نهایی نزد رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور ارسال می‌شوند. در صورتی که این دو مقام عالی‌رتبه قضایی، حکم را تأیید کنند پرونده برای اجرا به دادگاه صادر کننده رأی اعاده می‌شود و در فرض عدم تأیید، حکم نقض و پرونده برای رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارسال می‌شود.

پیش‌بینی این رویه، متفاوت از حق تجدیدنظرخواهی است، زیرا امکان زیر سؤال بردن و ابراز تردید نسبت به ادله ارائه شده علیه محکوم و اعتراض به ناعادلانه بودن حکم محکومیت را از وی سلب می‌کند. به علاوه، واگذاری اختیار تأیید حکم به مقام‌های قضایی و به ویژه دادستان کل کشور، که خود نقش مدعی را در این‌گونه جرایم بر عهده دارد، با اصول دادرسی عادلانه متعارض است و این اصول را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر اساس اصول حقوقی و همچنین به تصریح میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه تجدیدنظر و رسیدگی به حکم محکومیت باید توسط دادگاه عالی‌تر انجام شود، نه مقام‌های قضایی که وظیفه مدعی‌العمومی را بر عهده دارند.

در مواردی که حکم محکومیت، اعدام نباشد نیز متهم نمی‌تواند تجدیدنظرخواهی کند. بر اساس ماده ۳۲ مصوبه مذکور، «... در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که برخلاف شرع یا قانون است و یا آنکه قاضی صادر کننده حکم صالح نیست، رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور حق تجدیدنظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم‌الاجرا بودن حکم نیست». این در حالی است که اسناد بین‌المللی از جمله بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت بر لزوم رعایت این حق به عنوان یکی از حقوق اصلی متهم در فرایند دادرسی کیفری تصریح نموده است. با توجه با الحاق ایران به این میثاق و براساس ماده ۹ قانون مدنی که محتوای اسناد بین‌المللی را در حکم قوانین داخلی می‌داند عدم تضمین‌های قانونی برای رعایت آن و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی مغایر با آن غیر قابل توجیه است.

نادیده انگاشتن حق اعتراض به احکام کیفری در جرایم مواد مخدر فرصت مناسبی را برای نفوذ سیاست‌های سخت‌گیرانه در رویه‌های عملی دستگاه قضایی فراهم می‌سازد. مقام‌های عالی قضایی بارها از رسیدگی سریع و قاطع و بدون اغماض نسبت به مجرمان مواد مخدر به‌ویژه قاچاقچیان سخن گفته‌اند. برای نمونه، رئیس قوه قضاییه در بهمن ماه ۱۳۸۹ درباره چگونگی برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر اظهار می‌دارد: «در مورد این متهمان بنای ما بر سخت‌گیری است. شنیده‌ام برخی از اساتید حقوق گفته‌اند که رئیس قوه قضاییه نباید دم از سخت‌گیری و ارفاق بزند، حرف ما این است که این سخت‌گیری و ارفاق مر قانون است که ما می‌خواهیم به آن عمل کنیم»^۱. دیگر مدیران قضایی نیز به طور متناوب با اتخاذ گفتمان عامه‌پسندانه درصدد نشان دادن جدیت قوه قضاییه در مقابله با این جرایم بوده‌اند. جلوه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در مصاحبه سخنگوی قوه قضاییه و تأکید وی بر رسیدگی سریع و بدون اغماض به پرونده‌های قاچاقچیان مواد مخدر مشاهده کرد.^۲

سیاست‌های رسمی قضایی مبنی بر شدت عمل و رسیدگی سریع و بدون اغماض به پرونده‌های مواد مخدر علاوه بر تلاش برای جلب اعتماد عمومی نسبت به اقدام‌های دستگاه قضایی، بی‌تردید موجب تقویت اندیشه بی‌اعتنایی نسبت به رعایت حقوق دفاعی متهمان در فرهنگ سازمانی دادرها و دادگاه‌های کیفری مسئول رسیدگی خواهد شد. اتخاذ سیاست‌های قضایی چون ممنوعیت اعطای مرخصی به قاچاقچیان مواد مخدر^۳ و نیز تأکید بر اجرای مجازات اعدام برخی از مجرمان مواد مخدر در ملاعام را باید در همین راستا تحلیل و ارزیابی کرد.

۴- تأکید بر جنبه‌های بازدارندگی اجرای علنی مجازات اعدام

یکی از عوامل ظهور عوام‌گرایی کیفری افزایش بی‌اعتمادی عمومی نسبت به قاطعیت نظام عدالت کیفری در مقابله با مجرمان است. یافته‌های علمی نشان می‌دهد که به موازات افزایش

^۱ - روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۹/۱۱/۲۱.

^۲ - خبرگزاری فارس، «برخورد قاطع و بدون اغماض قوه قضاییه با قاچاقچیان مواد مخدر»، لینک خبر: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8907191335>

^۳ - سایت آفتابیر، «ممنوعیت اعطای عفو و مرخصی به قاچاقچیان مواد مخدر»، لینک خبر: <http://www.aftabir.com/news/view/2004/oct/16/c9c1097907697.php/>

اعتماد مردم به نظام عدالت کیفری، سیاست‌های عوام‌گرایانه فرصت کم‌تری برای ظهور پیدا می‌کنند.^۱ به زعم طرف‌داران عوام‌گرایی کیفری، عدم اجرای مجازات یکی از عوامل افزایش جرم و احساس ناامنی است. از دیدگاه آنان چنانچه مردم در عمل اجرای مجازات را مشاهده کنند، ترس کم‌تری خواهند داشت.

صدور حکم محکومیت به مجازات اعدام و اجرای علنی آن به نمادی برای نشان دادن جدیت و عزم راسخ قوه قضاییه در مقابله با مواد مخدر تبدیل شده است. در این رویکرد مسئولیت دولت و جامعه محلی برای تضعیف یا خنثی‌سازی عوامل زیربنایی جرایم مواد مخدر به فراموشی سپرده می‌شود. به عبارت دیگر اجرای علنی اعدام در گفتمان مقام‌های قضایی به مثابه راه‌کاری جهت حفظ امنیت شهروندان و تضمین کافی برای تأمین نظم و امنیت در جامعه پنداشته شده است.

طرف‌داران اجرای علنی اعدام، بی‌اعتنا به یافته‌های کیفرشناسی در مورد میزان اثربخشی آن، استقبال مردم و افکار عمومی را مجوزی برای تداوم این شیوه می‌دانند. پیمایش‌های انجام شده توسط نهادهای رسمی نیز تا حدودی گویای نگرش مثبت بسیاری از پاسخ‌گویان به اجرای علنی مجازات است. به عنوان نمونه، نظرسنجی انجام شده توسط اداره کل مبارزه با مواد مخدر ناجا در مورد جامعه نمونه‌ای با حجم ۲۲۹۵ نفر نشان داد ۹۱ درصد از پاسخ‌گویان تأثیر مجازات اعدام قاچاقچیان بر کاهش مواد مخدر را "مؤثر" یا "بسیار مؤثر" می‌دانند. از میان پاسخ‌گویان تنها ۴ درصد مجازات اعدام را بی‌اثر و ۸ درصد مضر دانسته‌اند. همچنین در نظرسنجی سال ۱۳۷۷ مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی نیروی انتظامی در یک جامعه نمونه با حجم ۱۳۷۳ نفر، ۹۷ درصد از پاسخ‌گویان اجرای علنی حکم اعدام قاچاقچیان را در بازدارندگی از قاچاق مواد مخدر مؤثر دانستند.^۲ استناد به افکار عمومی و مطالبات جامعه در اجرای علنی مجازات به گونه‌ای است که گویی تداوم جرایم مواد مخدر به دلیل ناکافی بودن تعداد اجرای علنی مجازات‌ها بوده است و در صورت اجرای بیشتر مجازات اعدام به طور علنی، میزان قاچاق مواد مخدر نیز کاهش می‌یافت.

^۱ - Pratt, J., Penal "Populism and the Contemporary Role of Punishment", in Anthony, T., & Cunneen, C., (eds.), *The Critical Criminology Companion*, Australia, Hawkins Press, 2008, pp. 265-276; Green, D.A., "Feeding Wolves: Punitiveness and Culture", *European Journal of Criminology*, Vol. 6 (6), 2009, pp. 517-536.

^۲ - <http://www.uninlaw.ir/post/139>

این رویکرد عامه‌پسندانه مانند بسیاری از جلوه‌های عوام‌گرایی همواره با چالش‌ها قانونی نیز روبه‌رو بوده است. از دیدگاه برخی از حقوق‌دانان اجرای مجازات در ملأعام یک نوع مجازات جداگانه است و نیازمند تصریح قانون‌گذار است. اداره حقوقی دادگستری نیز در نظریه شماره ۷/۶۳۴۱-۱۳۶۷/۱۱/۱۹ این نظر را پذیرفته و بیان می‌دارد: «در تعزیرات فقط وقتی دادگاه می‌تواند حکم به اجرای شلاق در ملأعام بدهد که قانون چنین اجازه‌ای را صریحاً داده باشد، زیرا زدن شلاق یک مجازات است و اجرای آن در ملأعام که مستلزم هتک حیثیت مضروب می‌شود مجازاتی دیگر است که بدون وجود قانون جایز نیست»^۱. با این تفسیر به نظر می‌رسد در جرایم مواد مخدر، که از جمله جرایم تعزیری است، اجرای مجازات اعدام در ملأعام نیازمند تصریح قانون‌گذار است. با این حال، به رغم فقدان مجوز قانونی در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ حکم محکومیت به اعدام به عنوان نمادی از عزم و اراده نظام سیاسی برای مقابله با جرایم مواد مخدر بارها در ملأعام به اجرا درآمد، بدون اینکه شواهد و قرائن تجربی حاکی از کاهش میزان قاچاق مواد مخدر باشد.

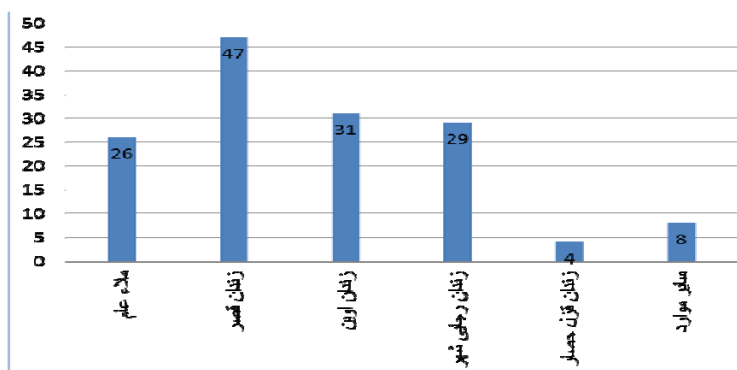
هرچند، مبنای قانونی برای اجرای علنی مجازات اعدام و نیز در اختیار داشتن ابزارهای هم‌سویی با مطالبات عمومی در زمینه شدت عمل نسبت به مجرمان مواد مخدر در دوره‌های زمانی خاص، در مواد ۶ و ۹ مصوبه سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام (مصوب ۱۳۶۷) پیش‌بینی شد، امکان اجرای علنی مجازات اعدام بار دیگر در مواد ۹ و ۱۱ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت (مصوب ۱۳۷۶) فراهم آمد. بند دوم ماده ۹ این مصوبه اجرای علنی مجازات در موارد تکرار جرم و بر حسب مصلحت را امکان‌پذیر می‌داند. بر اساس این بند: «چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی‌الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملأعام اجرا خواهد شد».

علاوه بر این، ماده ۱۱ مصوبه مجمع نیز بیان می‌دارد: «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملأعام اجرا خواهد شد». هرچند به سختی می‌توان مبنا و معیارهای قضات دادگاه جهت تصمیم‌گیری برای اجرای علنی حکم اعدام مجرمان مواد مخدر را شناسایی و احراز کرد، ولی به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار بر تفسیر قضات از مصادیق "مصلحت" مذکور در

^۱ - باختی، سیداحمد، اجرای احکام کیفری در آئینه قوانین و رویه قضایی، جنگل، ۱۳۸۸، صص ۱۳۳-۱۳۲.

این ماده، میزان باور و اعتقاد قاضی به جنبه‌های بازدارندگی اجرای علنی کیفرها دارد، و در این راه بازنمایی رسانه‌ای و انتظار افکار عمومی از دستگاه قضایی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. به رغم نبود آمار جنایی دقیق از تعداد اعدام‌های علنی به نسبت کل اعدام‌ها، نمونه‌پژوهی‌های انجام شده بیان‌گر آن است که نسبت این اعدام‌ها میزان درخور توجهی را به خود اختصاص داده است. برای نمونه، براساس تحقیقات میدانی انجام شده در خصوص ۱۴۵ حکم اعدام محکومان مواد مخدر در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۸، در حدود ۲۶ مورد (۱۸ درصد) در ملاءعام اجرا شده است.^۱

نمودار محل اجرای مجازات اعدام بر حسب فراوانی در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۸



تأکید نظام کیفری بر اجرای علنی مجازات و تمرکز بر جنبه‌های بازدارندگی در حالی است که هیچ یافته علمی که بیان‌گر ارتباط معنی‌دار میان اجرای علنی مجازات اعدام و کاهش قاچاق مواد مخدر باشد ارائه نشده است. ضمن اینکه برخلاف جرایمی مانند قتل و یا سرقت مسلحانه که ناظر بر ارتکاب جرم در محل خاصی است و معمولاً تمامی اهالی محل وقوع از آن مطلع می‌شوند، بخش عمده‌ای از جرایم مواد مخدر به ویژه قاچاق مواد مخدر ناظر بر منطقه یا محله خاص نیست. شاید به همین دلیل مصوبه مجمع در صورت وجود شرایط قانونی محل سکونت مجرم را برای اجرای حکم پیشنهاد نموده است.

^۱ - اکبری، حسین، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰.

پرسش دیگری که پاسخ‌گویی به آن ضرورت دارد این است که با توجه به تعداد محدود افرادی که شاهد اجرای اعدام هستند آیا جنبه بازدارندگی بازنمایی گسترده اخبار مربوط به مجازات اعدام بیشتر از مشاهده حضوری آن نیست؟ همچنین، اجرای حکم اعدام در ملاءعام ممکن است بر زندگی خویشاوندان و وابستگان محکوم تأثیر گذاشته و موجب تحقیر و بی‌آبرو شدن آن‌ها شود. از این رو دستیابی به اهداف بازدارندگی اعدام‌های علنی مستلزم تولید یافته‌های علمی پیرامون هر یک از ابهام‌ها و پرسش‌های مطروحه و آزمون فرضیه‌های رقیب است، مگر اینکه هدف نشان دادن جدیت و عزم نظام کیفری در مقابله با مجرمان مواد مخدر باشد که در آن صورت انجام پیمایش‌های نوبه‌ای رسمی و جهت‌دار و نیز بازنمایی رسانه‌ای اخبار اعدام‌ها و تشکر مردم از دستگاه قضایی و پلیس برای تداوم اجرای علنی مجازات‌ها کافی به نظر می‌رسد.

۵- نتیجه‌گیری

اتخاذ رویکردهای عامه‌پسندانه در قلمرو سیاست کیفری مقابله با مواد مخدر در مقایسه با دیگر جرایم از پیشینه نسبتاً طولانی‌تری برخوردار است. بازنمایی گسترده اخبار مربوط به جرایم مواد مخدر و توجه افکار عمومی به آن بسترهای مناسبی را برای ظهور سیاست‌ها و رویه‌های قضایی استثنایی مبتنی بر سرکوب و تصویب قوانین کیفری سخت‌گیرانه فراهم آورده است. در طول سه دهه گذشته جنبه‌های لفظی و نمادین این گفتمان موفقیت‌هایی را در جلب توجه و اعتماد افکار عمومی نسبت به جدیت نظام کیفری در مقابله با این جرم کسب نموده است. از جمله مشخصه‌های این رویکرد عوام‌گرایانه می‌توان به تقاضا برای افزایش اختیارات نهادهای مسئول کنترل جرم، تبدیل اعتیاد به مواد مخدر از یک مسأله اجتماعی و بومی به یک توطئه بین‌المللی و فرامرزی، القای حالت جنگی در مقابله با این پدیده و بسترسازی برای توسل به یک نظام دادرسی کیفری استثنایی، دست‌وپاگیر تلقی نمودن اصول و موازین دادرسی عادلانه در رسیدگی به اتهام‌های جرایم مواد مخدر، و نیز تمرکز بر شاخص‌های سخت‌افزاری مانند تعداد معتادان جمع‌آوری شده، میزان مواد مخدر کشف شده، تعداد پرونده‌های رسیدگی شده و شدت محکومیت‌های صادره برای سنجش میزان موفقیت اشاره کرد.

عوام‌گرایی کیفری همچنین در توجیه سیاست‌های سخت‌گیرانه خود و مشروعیت بخشی به آن به کرات به خواست و مطالبات عمومی و نتایج نظرسنجی‌های عمومی استناد می‌کند. این در حالی است

که در بسیاری از این نظرسنجی‌ها اصول علمی رعایت نمی‌شود و اعتبار داده‌های به دست آمده، حتی در سطح یک نظرسنجی، محل تردید است. منتقدان این‌گونه نظرسنجی‌ها بر این باورند که نهادهای رسمی سفارش دهنده این‌گونه طرح‌های پژوهشی پرسش‌های مورد نظر خود را به گونه‌ای در نظرسنجی‌ها مطرح می‌کنند تا بتوانند افکار عمومی را حامی سیاست‌های خود نشان دهند.

در واقع، بخش عمده‌ای از آنچه به عنوان خواست و انتظارات مردم مطرح می‌شود بازتاب دغدغه‌ها و ملاحظات خود مدیران نهادهای عدالت کیفری است. آنچه در این نظر سنجی‌ها کم‌تر بررسی می‌شود تأثیر گفتمان رسمی و رسانه‌ای بر شکل‌گیری افکار عمومی در مورد مؤثرترین روش‌های کنترل جرایم مواد مخدر است و اینکه حمایت افکار عمومی از سیاست‌های سخت‌گیرانه تا چه اندازه تحت تأثیر گفتمان مقام‌های رسمی نهادهای عدالت کیفری و پردازش‌های رسانه‌ای و ژورنالیستی از پدیده مواد مخدر است.

از دیدگاه جرم‌شناسان روند عوام‌گرایی کیفری تحت تأثیر دو عامل متوقف خواهد شد: اول، عدم تحقق اهدافی که عوام‌گرایی دنبال می‌کند. از آن جا که در عوام‌گرایی کیفری تبلیغ می‌شود که تأمین امنیت تنها از طریق سیاست‌های سخت‌گیرانه محقق می‌شود، چنانچه ناکارآمدی این سیاست‌ها در کنترل پدیده‌های ناامنی اثبات شود، می‌توان امیدوار بود که رویکردهای عوام‌گرا طرفداران خود را از دست بدهد. دوم، در برخی موارد سخت‌گیری‌های نامعقول در رویکردهای عوام‌گرا موجب تزلزل در مبانی مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه می‌شود، به گونه‌ای که مردم نسبت به آن سیاست‌ها واکنش نشان داده و دست از حمایت آن‌ها برمی‌دارند. در این شرایط مقام‌های رسمی نیز رغبتی به اتخاذ رویکرد عوام‌گرایی کیفری نخواهند داشت.^۱ در مطالعات آینده باید به بررسی تحول در سیاست‌های عوام‌گرایانه و میزان تأثیرگذاری آن بر سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی در حوزه مواد مخدر پرداخت و اینکه تولید دانش و اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی این سیاست‌ها تا چه اندازه جلوی نفوذ این اندیشه‌ها را به حوزه سیاست‌گذاری کیفری خواهد گرفت.

¹ - Pratt, J., "When penal populism stops, legitimacy, scandal and power to punish in New Zealand", *The Australian and New Zealand Journal of Criminology*, Vol. 41 No 3, 2008, pp.364-383.

منابع

منابع فارسی:

- ۱- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۲- اکبری، حسین، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- ۳- باختر، سیداحمد، اجرای احکام کیفری در آئینه قوانین و رویه قضایی، جنگل، ۱۳۸۸.
- ۴- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، میزان، ۱۳۸۵.
- ۵- حمزه‌ئی، مهدیه؛ حیسنی پاکدهی، علیرضا؛ و کیا، علی اصغر، «اعتیاد در مطبوعات: مقایسه مطالب مربوط به اعتیاد در روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، اعتماد و اعتماد ملی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ۱۳۸۸.
- ۶- رحمدل، منصور، «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۸۵.
- ۷- رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- ۸- رحیق اغصان، علی، دانش‌نامه در علم سیاست، تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۴.
- ۹- ساکی، محمدرضا، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین الملل، تهران: خط سوم، ۱۳۸۰.
- ۱۰- سمینار بررسی مسائل اعتیاد، گزارشی از اولین سمینار بررسی مسائل اعتیاد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۱۱- سوتیل، کیت؛ پیلو، مویرا؛ تیلور، کلر، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرواح... صدیق، تهران: دادگستر، ۱۳۸۳.
- ۱۲- غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی تکرار جرم، میزان، ۱۳۸۲.

- ۱۳- قناد، فاطمه، «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- ۱۴- کوسون، موريس، «تحول زندان در ایالات متحده آمریکا»، ترجمه قاسم قاسمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
- ۱۵- کیا، علی اصغر؛ و حسین پور، جعفر، «بررسی نحوه نگرش رسانه‌ها به اعتیاد»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره اول، ۱۳۸۶.
- ۱۶- مدنی قهفرخی، سعید، اعتیاد در ایران، تهران: ثالث، ۱۳۹۰.
- ۱۷- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، سه شنبه ۱۳۳۸/۲/۱۴، جلسه ۲۹۸.
- ۱۸- معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضاییه)، جلد سوم، قم: قضا، ۱۳۸۵.
- ۱۹- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضاییه)، جلد دوم، قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
- ۲۰- منتسکیو، شارل لوئی، روح‌القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۲۱- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- ۲۲- یزدیان جعفری، جعفر، «اصل تناسب جرم و مجازات: چرایی و چگونگی آن»، نامه مفید (نامه حقوقی)، شماره ۶۷، ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی:

- 1- Balvig, F., "When Law and Order returned to Denmark", Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention, Vol. 5, 2004.
- 2- Beckett, K., Making Crime Pay: Law and Order in Contemporary American politics, New York, Oxford University Press, 1997.
- 3- Campbell, L., "Criminal Justice and Penal Populism in Ireland", Legal Studies, Vol. 28 No. 4, 2008.

- 4- Chevigny, P., "The Populism of Fear: Politics of Crime in the Americas", *Punishment and Society*, Vol. 5 (1), 2003.
- 5- Green, D.A., "Feeding Wolves: Punitiveness and Culture", *European Journal of Criminology*, Vol. 6 (6), 2009.
- 6- Marion, N.E., & Oliver, W.M., "Crime Control in the 2008 Presidential Election: Symbolic Politics or Tangible Policies?", *American Journal of Criminal Justice*, Published Online: 08 January 2011.
- 7- Pratt, J., "Penal Populism and the Contemporary Role of Punishment", in Anthony, T., & Cunneen, C., (eds.), *the Critical Criminology Companion*, Australia, Hawkins Press, 2008.
- 8- Pratt, J., "Sex Crimes and the New Punitiveness", *Behavioral Sciences and Law*, Vol. 18, 2000.
- 9- Pratt, J., "When Penal Populism Stops, Legitimacy, Scandal and Power to Punish in New Zealand", *the Australian and New Zealand Journal of Criminology*, Vol. 41 No 3, 2008.
- 10- Roberts, J. V., "Public Opinion, Crime, and Criminal Justice", in Tonry, M. (eds.), *Crime and Justice: A Review of Research*, Chicago, University of Chicago Press, Vol. 16, 1992.
- 11- Roberts, J.V., Stalans, L.J., Indermaur, D., & Hough, M., *Penal Populism and Public Opinion: Lessons form Five Countries*, Oxford, Oxford University Press, 2003.
- 12- Sanders, A., "What Principles Underline Criminal Justice Policy?", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 18, 2000.
- 13- Simon, J., "Megan's Law: Crime and Democracy in Late Modern America", *Law and Social Inquiry*, Vol. 25, No. 4, 2000.
- 14- Tham, H., "Swedish Drug Policy and the Vision of the Good Society", *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*, Vol. 6 (1), 2005.
- 15- Tonry, M., *Sentencing Matters*, New York, Oxford University Press, 1996.
- 16- Van Swaaningen, R., "Public Safety and the Management of Fear", *Theoretical Criminology*, Vol. 9, 2005.

روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی

- ۱- روزنامه ابتکار، ۱۳۸۵/۹/۱۷
 - ۲- روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۱۰/۲۲
 - ۳- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۹/۱۱/۲۱
 - ۴- روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۷/۹
 - ۵- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹۱۶۶، ۱۳۸۹/۹/۲۸
 - ۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۲/۳۱
- 7- <http://www.aftabir.com/news/view/2004/oct/16/c9c1097907697.php/>
 - 8- <http://www.aftabnews.ir/vdcb89b8wrhb5fp.uiur.html>
 - 9- <http://www.aftabnews.ir/vdcipyav.t1aqw2bcct.html>
 - 10- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8907191335>
 - 11- <http://www.hamshahrionline.ir/news-55090.aspx>
 - 12- <http://www.rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>
 - 13- <http://www.uninlaw.ir/post/139>